

سوره توحید مثل علی بن ابیطالب^(ع) است

احمد عدالتیان در مطلب قبل، چند نکته کوتاه از سوره توحید را مرور کردیم؛ سوره‌ای که شناسنامه خداوند است و اعتقادی که مطابق با این سوره نباشد، به شرک و دوری از او می‌انجامد.

برای سوره توحید، فضیلت‌های زیادی گفته و توصیه شده است در هر شبانه روز، لااقل یک بار این سوره را در نمازهای خود بخوانیم و پس از آن بگوئیم: «کذلک الله ربی؛ پروردگار من، چنین است.»

همچنین تلاوت این سوره، یکی از تعقیبات نماز به شمار می‌آید و در روایات می‌خوانیم: «هرکه تلاوت آن را بعد از هر نماز ترک نکند، خداوند خیر دنیا و آخرت را به او می‌دهد و او و والدین و فرزندان را می‌آمرزد.»

این سوره در اهمیت، به اندازه یک سوم قرآن است، یعنی یک بار تلاوت آن، برابر با تلاوت یک سوم قرآن و سه بار تلاوتش، برابر با تلاوت کل قرآن است. رسول خدا^(ص) در این زمینه می‌فرماید: «سوره توحید مثل علی بن ابیطالب است که هرکه او را قلباً دوست دارد، یک سوم ایمان را داراست و هرکه با قلب و زبان دوست بدارد، دو سوم ایمان را دارد و هرکه با قلب و زبان و اطاعت در عمل، همراه او باشد، ایمانش کامل است.»

امام سجاد^(ع) نیز می‌فرمایند: «چون خداوند می‌دانست که در دوره آخرالزمان، گروهی دقیق و عمیق خواهند آمد، سوره توحید و شش آیه اول سوره حدید را نازل فرمود.»

نکته پایانی اینکه سوره توحید مثل حرز عمل می‌کند و تلاوت آن به شش سمت، سبب حفظ شدن انسان از خطرات و آیین شدن از حوادث است.

مشاوره

پول بیشتر یا زندگی بهتر؟

علیرضا وکیلی| همیشه این سؤال در ذهنم هست که چرا بعضی خانواده‌ها با درآمد معمولی، آرام‌تر و خوشحال‌تر زندگی می‌کنند، اما برخی افراد با درآمدهای آن چنانی مدام از کمبود، بدهی و... گلایه دارند؟ آیا واقعا چیزی به نام «برکت رزق» وجود دارد یا فقط یک توصیه اخلاقی است؟

این سؤال را این روزها زیاد می‌شنویم؛ مخصوصاً از خانواده‌هایی که می‌بینند درآمدشان نسبت به گذشته بیشتر شده، اما آرامششان کمتر شده است. شاید شما هم تجربه کرده باشید، خانواده‌ای را می‌شناسید که با یک حقوق کارمندی زندگی می‌کنند، سفر می‌روند، کنار هم غذا می‌خورند و آرامش دارند. در مقابل، خانواده‌ای را می‌بینید که چندین برابر آن‌ها درآمد دارند، اما همیشه از قسط، بدهی، اختلاف و نگرانی حرف می‌زنند.

اینجاست که باید بین «پول» و «رزق»، تفاوت بگذاریم.

پول، عدد حساب بانکی است اما رزق، سهمی است که آرامش، سلامت، محبت و رضایت را هم با خودش می‌آورد. قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ أَنفُوا وَأَنفَقُوا لَفَنَعْنَا بَعْضَهُم بَعْضًا مِن الشَّمَاءِ وَالْأَرْضِ.» (اعراف/۹۶) خداوند از «برکات» سخن می‌گوید، نه فقط افزایش پول.

برکت یعنی یک درآمد، بیش از اندازه ظاهری خود اثر بگذارد. گاهی دو نفر درآمد یکسانی دارند اما یکی، مدام گرفتار هزینه‌های ناگهانی، بیماری، تنش و نارضایتی است و دیگری همان درآمد را با رضایت و آرامش مدیریت می‌کند. روان‌شناسان نیز از پدیده‌ای به نام «نواگردان لذت» صحبت می‌کنند، یعنی انسان بعد از مدتی، به هر سطحی از رفاه، عادت و دوباره احساس کمبود می‌کند؛ به همین دلیل، افزایش درآمد همیشه به افزایش رضایت، منجر نمی‌شود.

چهار کنیم تا به رضایت‌مندی بیشتری برسیم؟

اول، به جای مقایسه درآمد، کیفیت زندگی را بررسی کنید. آیا اعضای خانواده کنارهم آرامش دارند؟ آیا بینشان فرصت گفت‌وگو و صمیمیت وجود دارد؟ **دوم،** مراقب سبک زندگی باشید. گاهی درآمد بالا نیست که مشکل ایجاد می‌کند، بلکه هزینه‌های رقابتی و چشم‌وهم‌چشمی است. **سوم،** بخشی از درآمد را به بخشش و کمک به دیگران اختصاص دهید. تجربه بسیاری از خانواده‌ها نشان می‌دهد که انفاق و دستگیری از دیگران، حس فراوانی و رضایت را افزایش می‌دهد.

امام علی^(ع) می‌فرماید: «القناعة مالٌ لا یفنیق، قناعت، ثروتی است که پایان نمی‌پذیرد.»

شاید برکت را نتوان در موجودی حساب بانکی دید، اما می‌توان آن را در سفره‌ای دید که کنارش آرامش، محبت و رضایت نشسته است.

سیره بزرگان

شیخ‌الشهدا

به مناسبت سالگرد شهید محراب آیت‌الله صدوقی

حسین ابراهیمی| شهید آیت‌الله محمد صدوقی که به حق «شیخ‌الشهدا» و چهارمین شهید محراب نام گرفته است، از یاران صدیق و باوفای امام خمینی^(ره) و نماینده ایشان در استان یزد و امام جمعه این شهر بود. او روحانی‌ای بود که خود را از مردم جدا نمی‌دانست و همواره یاور محرومان و حاضر در صحنه‌های انقلاب بود. سرانجام نیز در آخرین نمازجمعه خود، در دهم ماه مبارک رمضان ۱۴۰۲ هجری قمری (یازدهم تیرماه ۱۳۶۱)، پس از پایان نماز، به دست یکی از اعضای گروهک منافقین که با نزدیک شدن و در آغوش گرفتن ایشان نارنجکی را منفجر کرد، به شهادت رسید.

از ویژگی‌های این عالم مجاهد، بصیرت و شناخت دقیقش از شخصیت‌های اثرگذار انقلاب بود. در زمان انقلاب، بین حزب جمهوری اسلامی و امام جمعه بندرعباس اختلافی درگرفت. آقای صدوقی به یکی از نزدیکان می‌گویند درباره اختلاف آن ها گزارشی بیاورد. بعد از تهیه و دادن گزارش به آیت‌الله صدوقی، ایشان پرسیدند: کی به تهران می‌روی؟ گفت، فردا. ایشان پاکتی را به آن شخص دادند. پشت پاکت نوشته بود: «تقدیم به محضر مبارک آیت‌الله آقای خامنه‌ای.» پسر آقای صدوقی که شاهد ماجرا بود اعتراض کرد که آیا ایشان به مقام

آیت‌اللهی رسیده‌اند؟ آیت‌الله صدوقی

از بالای عینک به پسرش نگاه

کرد و گفت: «بله، آیت‌الله هستند.»

پس از شهادت این عالم بزرگ،

امام خمینی^(ره) در پیامی از او به عنوان

«فقیه متعهد و فداکار اسلام» یاد

کردند و نوشتند: «شهید بزرگوار و فقیه

متعهد و فداکار اسلام، شهید صدوقی

عزیز رضوان الله علیه، شهید بزرگی

که در تمام صحنه‌های انقلاب حضور

داشت و یار و مددکار گرفتاران بود...»

شهادت آیت‌الله صدوقی نه پایان

راه، بلکه نشانه‌ای از تداوم مسیر

روحانیتی بود که درکنار مردم

ایستاد و برای پاسداری از اسلام و

انقلاب، جان خود را نیز در این راه

تقدیم کرد.

شماره ۱۴

شماره ۱۴
۱۴ خرداد ۱۳۹۵
۱۴ خرداد ۱۳۹۵

۱۴

۱۴

۱۴

۱۴

۱۴

بررسی پیوند میان عاشورا و مهدویت

آرمانی که روز به روز پررنگ‌تر می‌شود

گزارش

سمانه رضوانی| قیام عاشورانه تنها یک رویداد تاریخی صرف نیست، بلکه الگویی جاودان برای مبارزه باظلم و احیای ارزش‌های الهی است. گسترش این مکتب در جهان، با ایجاد بصیرت و عزت‌طلبی و شکل دهی به جامعه‌ای آرمانی، بستر را برای ظهور حضرت مهدی^(عج) فراهم می‌سازد. پیوند میان این دو واقعه بزرگ، جداشدنی نیست. این پیوند عمیق، در آیات قرآن و احادیث اهل بیت^(ع)، به‌روشنی تبیین شده است و نشان می‌دهد که آرمان هر دو قیام، اقامه عدل الهی و مبارزه با ظلم است.



مکتب حسینی، تداوم مسیر انبیا

نهضت عاشورا، تجلی کامل مبارزه با ظلم و احیای دین بود. امام حسین^(ع) با این قیام، نشان داد که اسلام واقعی را نمی‌توان با سکوت در برابر فساد و ستم، حفظ کرد. این حرکت، بازگشت به ارزش‌های ناب‌محمدی و ادامه‌دهنده راه انبیایی است که برای اقامه عدل قیام کردند. جوهره اصلی این نهضت، امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه با بدعت‌ها و تحریف‌هایی بود که جامعه اسلامی را از مسیر اصلی خود منحرف ساخته بود. به عبارت دیگر، عاشورا، همان سنت تداوم عدل در تاریخ اسلام است، حرکتی که با خون امام حسین^(ع)، مسیر هدایت را برای همیشه روشن نگه داشت.

ایجاد سنت مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی

یکی از مهم‌ترین پیام‌های عاشورا، مقابله با هرگونه استبداد و ستم است. امام حسین^(ع) با یاران اندک خود در برابر لشکر کفر و نفاق ایستاد و نشان داد که ارزش هابر قدرت‌های مادی برتری دارند. گسترش این روحیه در جهان، یعنی نهادینه شدن حس مسئولیت اجتماعی برای مبارزه با فساد. این همان فرهنگی است که زمینه‌ساز ظهور امام عصر^(عج) می‌شود؛ چراکه ایشان برای برقراری عدالت جهانی قیام می‌کنند و این امر جز با حضور مردمی که ظلم را تحمل نمی‌کنند، ممکن نیست.

زمینه‌سازی برای تشکیل حکومت عدل جهانی

گسترش مکتب حسینی، درنهایت به ایجاد یک گفتمان غالب از عدالت‌خواهی در جهان منجر می‌شود. امام حسین^(ع) با قیام خود، چارچوب یک قیام الهی را ترسیم کرد؛ هدف، اصلاح امت و برپایی حکومتی براساس کتاب خدا و سنت پیامبر^(ص) بود. این دقیقاً همان رسالت‌نهایی امام عصر^(عج) است. بنابراین عاشورا، یک الگوی عملی و یک نقشه راه برای همه منتظران است تا با ترویج ارزش‌های آن، جامعه را برای ظهور آماده‌کنند. این گسترش فکری و فرهنگی، همچون موجی، بستر را برای ظهور آن حضرت که می‌آید تا جهان را از عدل و داد پر کند، هموار می‌سازد.

امام زمان (عج)؛ «باب‌الله» و ناصر حق خدا

شده است؛ به همین دلیل، امام سجاد^(ع) در رساله حقوق، حق‌الله را «حق اکبر» می‌نامند.

حق‌الله دربرابر حق‌الناس؟

این پرسش که «کدام حق بزرگ‌تر است؛ حق‌الله یا حق‌الناس؟»، اغلب مطرح می‌شود. همان‌طور که گفته شد، تمام حقوق به خداوند تعلق دارد و اوست که به بندگانش حق می‌بخشد؛ گزاره‌ای که‌گاه شنیده‌می‌شود مبنی بر اینکه «خدا از حق‌الناس نمی‌گذرد اما از حق خودش می‌گذرد» و متأسفانه بر این اساس، بعضی نتیجه می‌گیرند که حق‌الناس، بزرگ‌تر و مهم‌تر است. اصلاً صحیح نیست. در پاسخ می‌گوئیم که تمام حقوق برای خداوند محفوظ است و اوست که به دیگران، حقوقی را اعطا می‌کند. بنابراین این سؤال که حق‌الله بزرگ‌تر است یا حق‌الناس، اساساً نادرست است.

بازیگر همیشگی حقوق الهی

هیچ‌گاه از هدایت و سرپرستی، نظام هستی، خالی نبوده است. خداوند همواره حجت خالی نبوده را بر روی زمین قرار می‌دهد تا عهده‌دار پاسداری از حقوق الهی باشد. در وزارت پرمضمون آل یاسین، این حقیقت

با صراحت بیان شده است که امام زمان^(عج) «ناصر حق خدا» هستند؛ یعنی ایشان کسی هستند که در زمین، حق خداوند را حفظ، اجرا و از آن دفاع می‌کنند. نکته شگرفی که در این جایگاه وجود دارد، این است که امام هم «ناصر» است و هم «منصور»؛ یعنی همان‌گونه که ایشان مدافع حقوق الهی هستند، خودنیز مورد یاری و پشتیبانی خداوند در این رسالت خطیر قرار دارند.

راهی به‌سوی نصرت خدا

حال این پرسش پیش می‌آید که چگونه ما می‌توانیم در مسیر «نصرت حق خدا» گام برداریم؟ آزانجا که تحقق کامل این نصرت، تنها به دست خلیفه خداوند در هر عصر امکان‌پذیر است، راه یاری خدا نیز از طریق یاری رساندن به امام زمان^(عج) می‌گذرد. این اصل، پیشینه‌ای تاریخی دارد و در ماجرای پیامبران نیز جلوه‌گر بوده است. قرآن کریم نیز با تأکید بر آیه «وَأَتَذَقِّبُهُنَّ» ما را به ادای حق «دوی‌القربی» (اهل‌بیت^(ع) و ائمه معصومین^(ع)) فرامی‌خواند. امام زمان^(عج) به‌عنوان مصداق بارز «دوی‌القربی» حقوقی برگردن ما دارند که ادای آن‌ها، همان «نصرت» است. اگر بتوانیم در مسیری حتی کوچک به یاری ایشان بشتابیم، درحقیقت، ناصر حق خدا شده‌ایم و این بزرگ‌ترین گامی است که می‌توانیم در مسیر رسیدن به کمال برداریم.

درنگ